

رمز و راز تولد مسیح



هیچکس نمی‌تواند انکار کند که راز آیین ما بزرگ است: «او به صورت انسان ظاهر شد، روح‌القدس حقانیتش را ثابت نمود، فرشتگان او را دیدند. مژده او در میان ملت‌ها اعلام شد در جهان، مردم به او ایمان آوردند، و با جلال به عالم بالا برده شد.»

اول تیموتاؤس ۳ ، ۱۶

رسول پولس اغلب از کلام رمز و راز صحبت می‌کند. هر گاه او این کار را می‌کند، به معنی رمز و راز انجیل عیسی مسیح است. بله، پیام شادی از تولد عیسی همیشه شناخته نشده بود. و حتی اکنون راز این پیام شادی برای همه انسان‌ها در کل دنیا شناخته نشده است. با این حال تولد عیسی مسیح، پیچیده نیست و درک آن اتفاق دشوار نیست. وقتی پولس می‌گوید عیسی در جسم ظاهر شده است، پس به معنی این است که خداوند به همان اندازه که هست، به انسان تبدیل شده است. و این رمز و راز حتی در هنگام تولد عیسی مسیح بسیار آسان بود که انسان می‌توانستند آن را درک کنند. و با این حال، این گروه کوچکی از دوستان در پیش‌آخور در بیت لحم، می‌توانستند پیغام این اتفاق در کل جهان اعلام کنند که خدا وجود دارد. ... "مژده او در میان ملت‌ها اعلام شد در جهان، مردم به او ایمان آوردند، و با جلال به عالم بالا صعود کرد.."

این جمله هم کافی هست این هم رمز و راز مسیح است. واقعا چیزی بیشتر از آن وجود ندارد. در واقع در تولد عیسی هیچ رازی نیست. این یک راز باز است. خدا خودش می‌خواست آن را آشکار کند. خدا خودش می‌خواست همه را به درک این رمز و راز هدایت کند. و ما همیشه در مورد مقالات مختلف در مورد آن تولد مسیح خواندیم. اما فقط به دلیل این که آن رمز و راز انقدر آشکار است، ممکن است که ما آن را به عنوان یک قطعه قدیمی از میلمان در اتاق نشیمن درک کنیم، اما ارزش آن را نادیده می‌گیریم یا حتی آن را کنار می‌گذاریم. بسیاری از ما داستان کریسمس را اینجوری پیدا می‌کنیم، به عنوان یک قطعه قدیمی از میلمان ما در مورد آن علاقه نداریم می‌کنیم زیرا فکر می‌کنیم آنها آن را هزار بار شنیده اند. با توجه به جمله: "من در حال حاضر می‌شناسم که ... این دیگر یک راز نیست!" بسیار جالب خواهد بود برای شنیدن چیزی جدید. یا چیزی که واقعا جذاب مثل سودوکو است و اشکار نیست. خدا ما را مثل یک بازی سودوکو شگفت‌انگیز نمی‌کند و او با انسانها فرا زمینی بیگانگان از یک موشک از فضای بیرون نمی‌آید. شاید ما انسانها دوست داریم که پسر خدا اینجوری می‌آید. او چنین کاری نکرد. اما عیسی مسیح زندگی می‌کرد به عنوان یک کودک ساده در میان مردم فقیر. و همان عیسی هنوز هم با ما بسیار ساده صحبت می‌کند. و با این حال، هر چه بیشتر به او و کلمات دقت می‌کنیم، بیشتر متوجه می‌شویم که من فقط می‌توانم نسیمی از آنچه را که به معنی واقعی است تصور کنم. از آنجا که داستان کریسمس فقط در مورد یک راز از زمان‌های قدیم نیست. این نیز در مورد من است و این در مورد سرنوشت زندگی من است. اگر درست است که خداوند در پایدار متولد شده است، پس او نیز می‌خواهد وارد زندگی من نیز شود.

کریسمس این وقت است که کشف کنید که چگونه او به کلبه ساده من می‌آید. جایی که من باید گناه خود را تحمل کنم، می‌خواهم قدرتش را تجربه کنم ... آن جا که ناراضی هستم یا اینکه دوست داشتی من مرا ترساند، پس عیسی می‌خواهد با من باشد ... من می‌خواهم همه خشم، سرخوردگی، ناامیدی و ترس را در قرار دادن در مقابل پاهایش فراری داهم.

در کریسمس عیسی مسیح را جشن می‌گیریم و ما خودمان دعوت شده ایم تا این رمز و راز ایمان را وارد کنیم. بله، برای تبدیل شدن به بخشی از این رمز و راز خود.

داستان کریسمس در مورد عیسی من آن را از قبل می‌شناسم. درسته. این داستان من هم هست آمین.